اطلس اجتماعی کشور در راه است

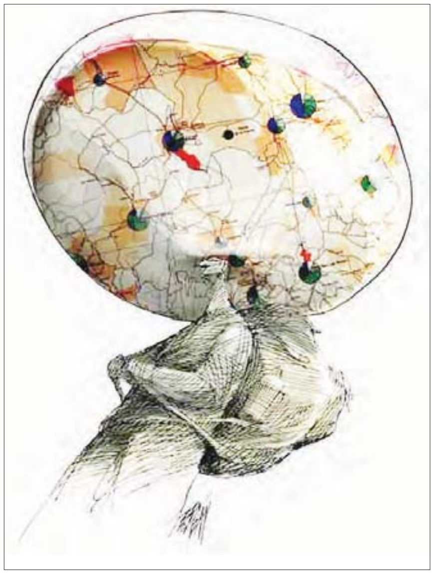

در مـورد راهکارهای اصـلاح و بهبود آسـیب‌های اجتماعی اظهارنظرهای مختلفی وجـود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشـی را تجویـز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسـی اعتقاد دارند و جوامعی هم وجود دارند که به این مسـائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با اسـتفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رسـاندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. با توجه به این نگاه، هر گونه اقدام و فعالیتی برای کاهش آسـیب‌های اجتماعی، نیازمند یکسری طرح‌های اختصاصی و اندیشـیده شـده است، به این معنی که در چنین شرایطی باید برای برخورد و مقابله با هر آسـیب، نگاه و رویکرد خاصی وجود داشته باشد و صرفاً با پیچیدن یک نسـخه کلی برای آسـیب‌های اجتماعی نمی‌توان نسبت به مرتفع شدن آنها امیدوار بود. علاوه‌بر این شناسـایی هر آسـیب اجتماعی هم به تفکیک منطقه شـیوع آن متفاوت بـوده و نیازمند راهکارهای خاصی اسـت. به‌عنوان مثال، پدیده اعتیاد یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود که با آسیب‌های دیگری مانند خودکشـی یا مقوله زنان خیابانی تفاوت داشته و نیازمند رویکرد خاصی است اما بررسی اعتیاد در یک منطقه اعیان‌نشین با اعتیاد ناشی از فقر در یک منطقه جنوبی شهر نیز تفاوت داشته و هر کدام راهکار خاص خودش را می‌طلبد.

در بحث آسـیب‌های اجتماعی یک موضوع اساسی وجـود دارد و آن هـم مدیریت یکپارچه آسـیب‌های اجتماعی توسـط نهادهای مسـئول مانند بهزیستی، شهرداری و وزارت کشور است. بدین ترتیب تهیه اطلسی که بیانگر وضعیت اجتماعی کشور باشد آن هم به صورت یکپارچه، دارای اهمیت است.

در پنجاه‌وچهارمین جلسه شـورای اجتماعی کشور مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۰ ایجاد اطلس اجتماعی کشـور مورد تصویب قرار گرفـت. در این مصوبه آمده اسـت: «کلیه دسـتگاه‌ها، سـازمان‌ها و نهادها (وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، ناجا، مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ستاد مبارزه با مواد مخدر، سازمان صداوسـیما و وزارت کار) موظفند مستمرا نسبت به تکمیل داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز اطلس اجتماعی که توصیف کننده سیمای اجتماعی کشور با ابعاد و شاخص‌های مختلف آن اعم از آسیب‌ها و مفاسد اجتماعی نظیر طلاق، اعتیاد، خودکشی، جرایم، ناهنجاری‌ها و... همچنین وضعیت سـرمایه اجتماعی، نشـاط و رضایـت عمومـی، مشـارکت‌های مردمی، همبستگی ملی و ... است، اقدام کنند و گزارش روند کار به‌طور مستمر به استحضار ریاسـت محترم جمهوری و شورای اجتماعی کشـور رسانده شـود.» این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ و با امضای وزیر وقت کشـور به دستگاه‌های عضو ابلاغ و اجرایی شد.

اطلس اجتماعی کشـور سامانه‌ای اسـت که با رصد، تجمیـع آمـار و اطلاعـات، ویژگی‌هـا، خصوصیـات رویدادهای اجتماعی و فرهنگی کشور همانند جمعیت، وضعیت ازدواج و طـلاق، تحصیلات، امکانات فرهنگی و اجتماعی، اشـتغال، بیکاری، آسـیب‌های اجتماعی، شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را براساس مشـخصات محیطی و جغرافیایی یک منطقه جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل کرده و گزارش می‌دهد.

این اطلس آبان ماه سـال ۹۲ از سـوی وزارت کشور تصویب شد. وزیر کشـور پس از تصویب این اطلس در وزارت کشور تصریح کرد: این اطلس که ناظر بر آسیب‌ها در حوزه و محیط‌های مختلف است، به تصویب رسیده و بعد از نهایی‌شـدن آن اجرا شود. این اطلس این امکان را به ما می‌دهد که ارتباطی را که دسـتگاه‌های مختلف با آن برقـرار می‌کنند، به‌صـورت دوره‌ای گزارشـی را برای ما ارسـال کنند و از سـوی ما مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. تعیین موضوعات اجتماعـی مهم ازجمله موضوعات دیگری اسـت که مورد تأکید ما قـرار دارد و این که اعضای جلسه که از ۲۳ دستگاه تشکیل شده است، پیشنهادات خود را ارایه دهند تا در کمیته‌ها مورد بررسی قرار گیرد و تلاش کنیم که به ارزیابی و سیاست‌گذاری در این مقوله بپردازیم.

طی یک‌سال گذشته خبر چندانی از اطلس اجتماعی کشور نبود و تهیه این اطلس در دست مطالعه و بررسی قرار داشت و حالا اردشـیر گراوند طراح و مجری اطلس اجتماعی کشور گفته اسـت که این هفته از این اطلس رونمایی می‌شـود. در این اطلس بحث‌های گسترده‌ای شـامل جمعیت، اقتصاد، آموزش، بهداشـت و درمان، بحث‌های زیرساختی، آسیب‌های اجتماعی، موضوعات مربوط به زنان مانند اشـتغال، سـواد و ... گنجانده شده است.

وی درخصوص همکاری سـایر نهادهـا در تهیه این اطلس بیان داشت: شورای اجتماعی کشور با ما همکاری داشـته اما هیچ نهاد دیگری به صورت مستقیم در این مسأله ورود نداشته است. آمارها از مراکزی مانند مرکز آمار و دسـتگاه‌های مختلف گرفته شده اما به غیراز آنها جایی که لازم بوده پژوهش‌هایی نیز انجام داده‌ایم.

افتتاح مهدکودک «حامی»

جامعه برای کودکانی که در زندان بازی می‌کنند، چه می‌کند؟!

بند زنان در زندان گاه میزبان کودکانی است که به همراه مادران خود در این زندان روزگار می‌گذرانند، این کودکان بی‌گناه که کمتر از ۶سال دارند به این دلیل که کسی را در خارج از زندان برای نگهـداری ندارند، به اجبار داخل بند و همراه مادرشان هسـتند. مادرانی که به علت بیسوادی و کم‌اطلاعی از قوانین یا سوءاسـتفاده‌های مختلف مالی و برخی دیگر در رابطه با مواد مخدر یا فساد اخلاقی یا خروج غیرقانونی از مـرز و... در زندان به سـر می‌برند. حال آن‌که چنین محیطی برای رشد و آموزش کودکان نه‌تنها مناسب نیست، بلکه آسیب‌زا خواهد بود.

طبق آیین‌نامه سـازمان زندان‌ها، کودکان می‌توانند تا ۳سالگی با مادرانشان در زندان بمانند اما براساس گزارش انجمن دفاع از حقوق زندانیان گاهی این وضع تا ۶سالگی هم طول می‌کشـد و طی این سـال‌ها «کودکان زندان» با حداقل امکانات از کمترین حقوق خود محروم می‌شوند از نظر کارشناسان مسائل اجتماعی موضوع کودکان زندان از این‌رو به‌عنوان مشکل مطرح می‌شـود که این کودکان حساس‌ترین زمان زندگی خود یعنی سال‌های نخست را در محیطی جدا از جامعه عـادی و در کنار جرم و مجرمان سپری می‌کنند. اغلب زندان‌های ایران فاقد شیرخوارگاه و مهدکودک برای این بچه‌هاسـت و برخلاف بسـیاری از کشـورها کودکان زندان به ناچار از صبح تا شب زندانی‌اند و این همان چیزی اسـت که موجب می‌شـود بسیاری از کودکان زنـدان آنچنان به این محیط عـادت کنند که در بزرگسالی خود به‌عنوان مجرم دوباره به زندان بازگردند.

به‌طور کلی می‌توان کودکانی که وضع زیستی و روانی آنها تحت تأثیر زندان است را در چند دسته طبقه‌بندی کرد:

کودکانی که پدر یا مادرشـان در زندان به سـر می‌برد، کودکانی که به همـراه مادر خود در زندان هسـتند (هم کـودکان متولد در زنـدان و هم کودکان متولـد بیرون از زنـدان)، کودکانی که درحال حاضر والدیـن آنها بیرون از زندان است اما در گذشته در زندان به سر برده‌اند، کودکانی که خود تجربه بازداشت و زندگی در کانون اصلاح و تربیت یا زندان را داشته یا دارند، کودکانی که به علت زندانی بودن والدین در مراکز نگهداری بهزیسـتی یا نزد خانواده پدری زندگی می‌کنند.

طبعا شرایط هر یک از این گروه‌ها و حتی شرایط تک تک این کودکان با یکدیگر تفاوت دارد و بسته به مسائلی نظیر طبقه اجتماعی، وضع اقتصادی، مسائل قومی و جنسیتی و شرایط قانونی خاص متفاوت است اما می‌توان مسائل هر یک از این گروه‌ها را به‌طور کلی دسـته بندی کرد. یکی از اساسی‌ترین مسائلی که این کودکان با آن مواجه می‌شوند، سرخوردگی از داغ مجرم بودن والدین است.

در همین رابطه جعفر بـای، رئیس اداره اجتماعی حوزه پیشگیری قوه قضائیه با اشاره به تحقیقات صورت گرفته در مرکز پیشگیری قوه قضائیه گفت: کودکانی که در سنین پایین حوادثی مثل اعـدام اعضای خانواده (پـدر و مادر) را تجربه می‌کنند، بعدها در بزرگسـالی بـرای تخریب و ویرانگری (انتقام‌جویی) بـه گروه‌های مخالف و تخریبگر می‌پیوندند. وی به انگیزه جذب افراد مستعد در گروه‌هایی که قصد تخریب و ویرانگری دارند نیز اشـاره و تأکید کرد: افـراد از اتفاقات و شـرایط خانوادگی تأثیـر می‌پذیرند و براساس آن رفتار می‌کنند که خشـونت‌ورزی یکی از این رفتارهاست.

رئیس اداره اجتماعی حوزه پیشـگیری قوه قضائیه در مورد آسیب‌هایی که بر اثر سبک زندگی و محیط اجتماعی، نوجوانان و جوانـان را تهدید می‌کند، افـزود: در تعریف از انسان گفته شده انسـان حیوان بافرهنگ است، زیرا تنها ممیزه انسـان از حیوان فرهنگ اوست. فرهنگ، لطافت و نرمی می‌آورد و انسان را از خشونت و تبهکاری دور می‌سازد. افراد جامعه دور از فرهنگ، خشن، بی‌رحم و تبهکار تربیت می‌شـوند. هر قدر جامعه از غنای فرهنگی بهره مند شود، جامعه از نرمی و لطافت آرامش و آسایش لبریز خواهد شد. به همان نسبت بی‌فرهنگی انسان را به سوی خشونت سوق می‌دهد. حوادث ناگـوار و دلخراش مانند قتل والدین یا در زندگی نوجوانان اثرگذار است، بنابراین اگر چنین حوادثی در کودکـی و نوجوانی افـراد به وقوع بپیونـدد در آینده و بزرگسالی اثرات جبران نشدنی برجا خواهد گذاشت و باعث گرایش نوجوان به خشونت می‌شود، زیرا کودکان خوراک فرهنگی خود را از خانواده‌ها دریافت می‌کنند، درحالی که متاسفانه امروزه بسیاری از کودکان ما لالایی‌های کودکانه خود را از دست داده‌اند.

بنابر اهمیت توجه به این دسـته از کودکان با توجه به آسیب‌پذیری زیادی که دارند، باید مورد توجه مسئولان قرار بگیرد. چندی پیش مهدکودک «حامی» با حضور الهام امین‌زاده معاون حقوقی و شهین دخت مولاوردی معاون امور بانوان رئیس جمهوری، سـهراب سلیمانی مدیرکل زندان‌های اسـتان تهران در بند زنان ندامتگاه شـهر ری افتتاح شد. آنچه که مهم است، ایجاد شرایط و تسهیلات برای مادرانی است که باید فرزندانشان را همراه با خود در زندان نگه دارند، تا بتوان از آسیب‌های ناشی از این پدیده کاست.

حقوقی

ترک اعتیاد برای معتادان به صرفه است؟

در فهرسـت آسـیب‌های اجتماعی کشـور، از طلاق گرفته تا خشونت و جرم، یک سر ماجرا به اعتیاد و مصرف موادمخدر ختم می‌شـود. اما به‌رغم همـه تلاش‌هایی که در زمینه جذب معتادان به سیسـتم درمانی کشـور انجام می‌شود آیا ترک کردن اعتیاد که هزینه‌های نسبتا بالایی را شامل می‌شود برای این قشر آسیب‌پذیر از لحاظ اقتصادی مشکل‌سـاز نیسـت؟ زمینه‌های ترک اعتیاد سال‌به‌سال افزایش پیدا می‌کند اما دولت این نوع هزینه را در فهرست بیمه جای نمی‌دهد و خانواده‌های معتادان ناچارند برای سپردن افراد معتاد به چرخه درمان و ترک، تمامی هزینه‌هـا را از جیب بپردازند و این مسـأله باعث شده تا بسیاری از افرادی که دچار سوء مصرف موادمخدر هستند، توان اسـتفاده از امکانات ترک اعتیاد را نداشته باشند.

اصلاحیه‌ای که در سال ۸۹ بر قانون مبارزه با موادمخدر انجام شد، دولت را مکلف کرده تا هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه بداند، اصلاحیه ماده ۱۵ این قانون وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را موظف کرده است تا هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد و دولت را نیز مکلف کرده تا بودجه لازم را برای انجام این کار در لایحه‌های بودجه سالانه جای دهد.

در تبصره ۲ این ماده آمده: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف اسـت ضمن تحت پوشـش قرار دادن درمان و کاهش آسـیب معتادان بی‌بضاعت، تمـام هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد. دولت مکلف است همه‌سـاله در لوایح بودجه، اعتبارات لازم را پیش‌بینی و تأمین کند. امـا در لایحه بودجه‌ای که سـال‌های بعد از تصویب این قانون از سوی دولت به مجلس فرسـتاده شـد، ردیف خاصی برای بیمه درمان اعتیاد در نظر گرفته نشد و کماکان پرداخت هزینه ترک اعتیاد برعهده خانواده افرادی اسـت که برای ترک اقدام می‌کنند. بیماران بستری در بیمارستان‌ها در صورتی که معتاد بوده و به سوءمصرف موادمخدر مبتلا باشند، باید مراحل ترک اعتیاد را پشـت سر بگذارند اما از آنجا که در پروتکل‌های درمانی مورد تأیید بیمه‌ها این خدمت معرفی و قیمت‌گذاری نشـده است، بیمارسـتان‌ها نمی‌توانند برای ترک اعتیاد بیماران بستری اقدام کنند. این مشکل در مورد بیماران بستری در بخش‌های روانپزشکی نمود بیشـتری دارد و دولت باید نسـبت به حل این مشکل چاره‌ای بیندیشد.

در همین رابطه جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر خراسان رضوی گفت که متاسفانه تاکنون درمان ترک اعتیاد تحت پوشش بیمه قرار نگرفته است. ماشاءالله صادقی عنوان کرد: با توجه به این که هزینه‌های درمان ترک اعتیاد زیاد اسـت، باید تحت پوشـش بیمه قرار گیرد. عده زیادی از مصرف کنندگان موادمخدر که داوطلب ترک هسـتند، وضع مالی خوبی ندارند و بیمه ترک اعتیاد به شدت نیاز است.

صادقی با اشـاره به این کـه تمـام مصرف کنندگان موادمخدر که در مراکز ترک اعتیاد بسـتری می‌شـوند برای درمـان بیماری‌هـای غیرمرتبط بـا اعتیاد بیمه هستند، اظهار کرد: اعتبار برای تحت پوشش قرار گرفتن مصرف کنندگان موادمخدر از سوی دولت تصویب شده اما تأمین نشده است. بیمه مصرف کنندگان موادمخدر در کاهش تعـداد معتادان کمک کننده اسـت. در حال حاضر درمان ترک اعتیاد به صورت سـرپایی در مراکزی که شـرایط مطلوبی دارنـد ۱۰۵ هزار تومان و بسـتری مصرف کننده موادمخدر در یک ماه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در این مراکز هزینه دارد.

تاکید بر این واقعیت در حالی اسـت که اخیرا قیمت داروهای ترک اعتیاد روند رو به رشـدی را داشته است. هادی محمدپناهی، رئیس هیأت‌مدیره کانون سراسری انجمن‌های صنفی درمانگران اعتیـاد می‌گوید: یکی از ابزارهای کاهش تقاضا در حوزه موادمخدر، ارایه داروهای مخدر با قیمت مناسب است به گونه‌ای که بیمار قادر به پرداخت هزینه آن باشـد و ناچار به خرده بزهکاری برای کسب درآمد درمانی نشود. وی ضمن بیان این که افزایش قیمـت داروهای مخـدر نباید به گونه‌ای باشـد که بعد اسـتطاعت مالی درمان اعتیاد برای بیمار را مختل کند، افزود: طی ماه‌هـای اخیر افزایش قیمـت «تنتور اپیوم» موسوم به شـربت تریاک بیش از ۴۷ درصد یعنی ۸ هزار تومان در هر بطری بوده اسـت. وی همچنین به افزایش قیمت شربت متادون نیز اشـاره کرد و یادآور شد: شربت متادون ۱۲,۵ درصد افزایش قیمـت و همچنین داروی درمان اعتیـاد «بوپره نورفین» نیـز ۲۷,۵ درصد افزایش قیمت داشـته اسـت. پناهی ادامه داد: این روند افزایش قیمت‌ها می‌تواند بر دسترسی بیماران به دارو و همچنین کیفیت خدمات مراکز درمان اعتیـاد اثر منفی بگذارد؛ این درحالی اسـت که تعرفه درمان اعتیـاد برای بخش غیردولتی هنوز ابلاغ نشـده که خود می‌تواند به درمان اعتیاد کشـور آسـیب بزند. درواقع درحالی که افزایش دستمزد، بیمه، مالیات، هزینه تأمین مکان مراکز و تورم جاری اقلام مصرفی حوزه درمان اعتیاد طی سال گذشته، ۲۵ تا ۵۰ درصد و گاه بیشـتر افزایش داشته و با توجه به افزایش زیاد قیمت داروهای مخدر عملا با عدم ابلاغ تعرفه درمان اعتیاد بخش غیردولتی، کیفیت خدمات درمانی در معرض آسیب قرار گرفته است. این عملکرد درنهایت باعث می‌شود ضرر عمده افزایش قیمت دارو و عدم ابلاغ تعرفه‌ها متوجه بیماران شود. رئیس هیأت‌مدیره کانون سراسری انجمن‌های صنفی درمانگران اعتیاد افزود: با این حال ظاهرا ارزش خدمات در حوزه درمان اعتیاد، چندان مورد توجه بخش‌هایی از وزارت بهداشـت نبوده و عملا منافع اقتصادی داروهای مخدر و شرکت‌ها در اولویت قرار گرفته است.

بنابراین افزایش قیمت داروی ترک اعتیاد از یک سـو و عدم پوشش بیمه‌ای این مسأله از سوی دیگر می‌تواند بر اسـتقبال معتادین از ترک، اثرگذار باشد. اگر معتاد را به‌عنوان بیمار می‌شناسیم و این مفهوم را باور داریم باید نسـبت به تسـهیل روند درمان این افراد نیز مانند سایر بیماران، اقدامات عملی انجام دهیم.

۲۸

عکس نگاری مشارکتی

شما خواننده گرامی می توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هر گونه توضیح، ترجمه و خاطره‌ای را برای ما ارسال کنید. ماه دیگر در همین روز و با همین شماره، این عکس مجددا منتشر و مطالب ارسالی شما به همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com

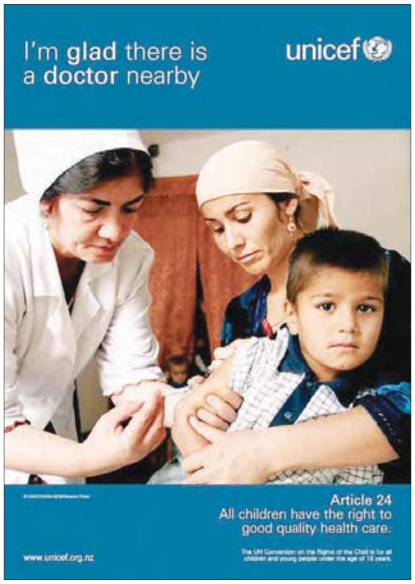

حق استفاده از امکانات بهداشتی و پزشک برای همه کودکان

نگاه ویژه

قوانین و سیاست‌هایی که می‌توانند زمینه‌ساز بروز جرم شوند!

اسما روانخواه
پژوهشگر اجتماعی

شـانه خالی کردن هرکدام از ما در رابطه با اجرای قوانیـن و مقررات چـه تبعاتی خواهد داشـت؟ تصور کنید کـه در صف عابـر بانک ایسـتاده‌اید و یکی که تازه از راه رسیده است می‌آیـد و نوبت شـما را می‌گیرد، یـا در مترو نشسـته‌اید و نفری که کنار دسـت شما است سـیگارش را درآورده؛ روشـنش می‌کنـد و دودش را هـم می‌رسـاند بـه ریه‌های شـما، بـدون توجه بـه این‌که کشـیدن سـیگار در اماکـن عمومی ممنـوع اسـت. می‌دانیم که اگر هرکس بخواهد بنا به میـل خودش رفتار کند و هیـچ قانونی را اعتنا نکند، سـنگ روی سنگ بند نمی‌شود. قوانین و سیاست‌ها حضور دارند تا زندگی ما را نظم ببخشـند و گره‌ای از مشـکلاتمان باز کنند و می‌دانیـم در صورت نبـود قوانین، هـرج و مرج فراگیر می‌شـود و آسـیب‌های اجتماعـی (بسیار بیشتر از آنچه که هر روز شاهد آن هستیم) به سـراغ مـا و آدم‌های اطراف ما می‌آید.

> مسئولان و برنامه‌ریزان هم دارد باورشان می‌شود که بروز جرم، می‌تواند عاملی جز خودفرد یا شرایط خانوادگی و اقتصادی داشته باشد. بروز جرم می‌تواند ناشی از اجرای قوانین و مقرراتی باشد که حضور دارد اما نه تنها مفید نیست بلکه می‌تواند خود محل آسیب باشد

در واقـع آسـیب اجتماعی ناشـی از روابط انسانی اسـت که جامعه را به‌طـور جـدی تهدید می‌کنـد و زمانـی بـه وجود می‌آید کـه به نظر می‌رسد نهادهای تنظیم کننـده روابط بیـن افراد با شکسـت روبه‌رو شـده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شـکل‌گیری شـکاف عمیق بین افراد اسـت. اما عدم رعایت قانون و بی‌توجهی به نظـم اجتماعی چه سـهمی از بـروز انواع آسـیب‌های اجتماعـی را دربرمی‌گیـرد؟ آیا می‌توان به این مسأله از زاویه‌ای دیگر هم نگاه کرد؟ آیا می‌شـود یک قانون کـه ماهیتا برای برقراری نظم ایجاد شده است، خود زمینه‌ساز ناهنجاری شود؟ می‌شـود خود قوانین عاملی در بروز آسیب‌های اجتماعی باشند؟

فکر کنید که کودک همسـایه شـما بیمار اسـت و این خانواده به هـر دلیلی تحت هیچ پوشـش بیمه‌ای قـرار نگرفته‌انـد، مراجعه به پزشـک متخصص و انجـام آزمایش‌های گوناگـون هزینه‌هـای بسـیاری را بـر آنان متحمل خواهد کرد، بنابراین به سـراغ شـما می‌آینـد و از شـما می‌خواهند کـه دفترچه بیمه کودک خود را در اختیار آنها قرار دهید، شما با این عمل انسانی و غیرقانونی چگونه برخورد می‌کنید؟ به قانون احترام می‌گذارید یا ترجیح می‌دهید رنج دوسـتتان را نبینید؟ اگر پوشـش بیمه‌ای فراگیری وجود داشت، نیازی به دور زدن قانون نبود. پدر این کودک با قانونی روبه‌روسـت که حیـات کودکش را به مخاطـره می‌اندازد و شـاید بـرای تأمین هزینه‌های درمان کودکش فکر دیگری کند، فکری که می‌تواند سمت و سوی مجرمانه هم داشته باشد.

ایـن روزهـا خبرهـای خوبـی بـه گوش می‌رسد، این‌که مسـئولان و برنامه‌ریزان هم دارد باورشان می‌شود که بروز جرم، می‌تواند عاملی جز خود فـرد یا شـرایط خانوادگی و اقتصادی داشـته باشـد. بروز جرم می‌تواند ناشـی از اجرای قوانین و مقرراتی باشـد که حضـور دارد امـا نه‌تنهـا مفید نیسـت بلکه می‌تواند خود محل آسیب باشد.

اما در همیـن رابطـه معـاون اجتماعی و پیشـگیری از وقوع جرم قوه‌قضائیه اسـتان البرز از همایش «شناسـایی قوانین و مقررات زمینه‌سـاز جرایـم» در دانشـگاه خوارزمی که سه‌شـنبه در دانشـگاه خوارزمـی برگزار می‌شود، خبرداده است.

مهدی جوهری با بیان این مطلب افزود: وضع قوانین متعـارض و غیرقابل انطبـاق بـا واقعیت‌هـای اجتماعـی و فرهنگـی، زمینه‌سـاز ارتکاب جرایم و اختلافات حقوقـی و به تبع آن طـرح دعـاوی متعدد و تحمیل هزینه‌های سـنگین به دسـتگاه قضایی و جامعه اسـت و از اینـرو تصمیـم گرفتیـم بـا برگـزاری این همایش در راستای شناسایی قوانین و مقررات زمینه‌ساز و تسـهیل‌کننده جرایـم قدم بگذاریم. ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های اجرا شده و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، ضرورتی است که برنامه‌ریزان ما آن را فرامـوش کرده‌اند. اگر قرار اسـت قانونی اجرایی شـود تا به زندگی ما نظم دهد یا سیاستی وضع شود که مشکلاتمان را کاهش دهد، نیاز است تا آن قانون و سیاست ارزیابی شـود، آیا بعد از ۹سال از ایجاد اورژانس اجتماعـی، ارزیابـی بابت عملکـرد آن صورت گرفته اسـت؟ آیا از دخترانی که فرار کرده‌اند و اورژانس اجتماعی را به‌عنوان یک نهاد حمایتی قبول ندارند، پرسـیده‌اند که چـرا خیابان را به اورژانـس اجتماعـی ترجیح می‌دهنـد؟ یا در طرح پزشـک خانواده کاسـتی‌ها و نقاط قوت آن بررسـی شـده اسـت؟ آیا قوانین مربوط به مرخصی زایمان زنان مـورد ارزیابی دقیق قرار گرفته اسـت و از زنان شـاغل و کارفرمایان چه در بخـش دولتی و چه در بخـش خصوصی در این رابطه نظرخواهی شـده اسـت؟ و آیا سایر برنامه‌هـا و قوانین و سیاسـت‌ها تاکنون مورد پژوهش علمی قرار گرفته اسـت تا نقاط ضعف آنهـا را بیابیم و آنهـا را اصلاح کنیم تا شـاهد اثرگذاری مثبـت آن در زندگی روزمـره افراد باشیم؟!